

حلقه گمشده

■ سعید شمس

روان‌شناس و مشاور دبیرستان متوسطه اول حضرت جواد الائمه (ع)

همان امنیت عاطفی است؛ حس ارزشمندی و تعلق که باعث می‌شود دانش‌آموز جرئت کند خودش باشد.

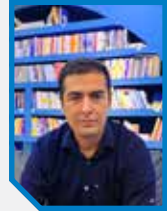
امنیت عاطفی مثل نسیم تازه‌ای است که یادگیری را زنده می‌کند. وقتی بچه‌ها بدانند اشتباه کردن بخشی طبیعی از مسیریادگیری است، ذهنشان آزاد می‌شود و خلاقیتشان شکوفا. در چنین فضایی، امتحان دیگر کابوس نیست، بلکه فرصتی برای نشان دادن توانایی‌هاست. دوستی‌ها عمیق‌تر می‌شوند، شبکه‌ی دوستان برای همکاری‌های گروهی شکل می‌گیرد و حتی دانش‌آموزان کم‌رو و خجالتی‌ای مثل علی، تبدیل به کسانی می‌شوند که ایده‌هایشان شکوفای می‌شود.

اما اگر این امنیت نباشد، مدرسه می‌تواند به محیطی پراضطراب تبدیل شود. زورگویی، تبعیض، فشار بیش از حد خانواده یا حتی تهدیدهای فضای مجازی همه می‌تواند دیوارهایی بسازد که یادگیری را خفه کند. کودکانی که احساس می‌کنند دیده نمی‌شوند یا ارزش ندارند، به تدریج از درس فاصله می‌گیرند و استعدادهايشان در سایه ترس خاموش می‌شود.

راه حل روشن است؛ مدرسه باید مانند خانه به پناهگاهی برای بچه‌ها تبدیل شود. معلمانی که هوش هیجانی بالایی دارند، می‌توانند با یک نگاه یا یک جمله ساده، آرامش را به کلاس بیاورند. جلسات گفت‌وگو، فعالیت‌های گروهی، حضور مشاوران و همکاری والدین، همگی ابزارهایی هستند که امنیت عاطفی را تقویت می‌کنند. وقتی بچه‌ها یاد بگیرند احساساتشان را بیان کنند و بدانند کسی آن‌ها را قضاوت نمی‌کند، یادگیری به تجربه‌ای شیرین و پایدار تبدیل می‌شود.

باید ببینیم که امنیت عاطفی حلقه گمشده‌ای است که بدون آن، هیچ آموزشی کامل نیست. دانش‌آموزان برای شکوفایی استعدادهايشان نیاز دارند در محیطی باشند که در آن، احساس آرامش و احترام و تعلق داشته باشند. اگر مدرسه بتواند چنین فضایی بسازد، نه تنها کیفیت آموزشی افزایش می‌یابد، بلکه جامعه آینده از شهروندانی خلاق، مسئولیت‌پذیر و متعهد بهره‌مند خواهد شد. مدرسه‌ای که امنیت عاطفی را جدی بگیرد، دیگر فقط محل درس نیست؛ خانه دومی است که بچه‌ها در آن یاد می‌گیرند، رشد می‌کنند و با اعتماد به نفس به آینده قدم می‌گذارند. در نهایت، این نکته را باید بدانیم که هر نگاه، هر جمله و هر رفتار می‌تواند آینده فرزند ما را تغییر دهد. ■

سعید شمس، کارشناس ارشد روان‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی است. وی در حال حاضر به عنوان



مشاور تحصیلی و تربیتی در پایه‌های ششم و هشتم مدرسه جوادالائمه فعالیت می‌کند. حوزه تخصصی او روان‌شناسی یادگیری و روان‌شناسی تربیتی است و تمرکز کاری‌اش بر ارتقای فرایندهای یادگیری، بهبود عملکرد تحصیلی و رشد شناختی و هیجانی دانش‌آموزان قرار دارد.

قبل از هر چیزی بیا بید با هم به تعریف مشترکی از امنیت عاطفی برسیم. ساده‌ترین تعریف، احساس آرامش، پذیرش و تعلق است. زمانی که فرزند ما در محیط مدرسه احساس کند که شنیده

می‌شود، دیده می‌شود و ارزش دارد. وقتی او مطمئن می‌شود که اشتباه کردن بخش طبیعی یادگیری است، جرئت پرسیدن سؤال و تجربه کردن راه‌های تازه را پیدا می‌کند. وقتی می‌آموزد شکست به تهدید تبدیل نمی‌شود، بلکه فرصتی برای رشد است امنیت جاری می‌شود. این نوع امنیت فراتر از نبود خشونت فیزیکی است؛ بلکه شامل روابط سالم میان معلم و دانش‌آموز، تعامل مثبت میان هم‌کلاسی‌ها و حمایت روانی از سوی مدرسه می‌شود.

بیا بید تصور کنیم صبحی آرام در مدرسه آغاز می‌شود. بچه‌ها با کیف‌های خود وارد حیاط می‌شوند، بعضی با خنده و شوخی، بعضی با دل‌نگرانی از امتحان ریاضی. در میان آن‌ها «علی» ایستاده است؛ دانش‌آموزی که همیشه ساکت است و کمتر دستش را برای پرسیدن سؤال بالا می‌برد. نه به خاطر اینکه چیزی نمی‌داند، بلکه چون می‌ترسد اگر اشتباه کند، مورد تمسخر هم‌کلاسی‌ها قرار بگیرد. همین ترس کوچک، مثل دیواری بلند، میان او و یادگیری مؤثر کشیده شده است.

حالا تصور کنیم همان روز، معلم کلاس با لبخند وارد می‌شود و قبل از شروع درس می‌گوید: «اینجا جاییه که همه مون می‌تونیم اشتباه کنیم و از هم یاد بگیریم. هیچ‌کس قرار نیست قضاوت بشه.» علی با شنیدن این جمله، نفس راحتی می‌کشد. وقتی معلم با احترام به پرسش‌های ساده او گوش می‌دهد، کم‌کم اعتماد به نفسش بالا می‌رود. این

